

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

نقشه‌ی راه نخبگان برای «ایران هرچه قوی‌تر»

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در پیامی به نخبگان و مدال‌آوران علمی و ورزشی در میادین جهانی با اشاره به نقش بی‌بدیل نخبگان و افتخارآفرینان نوجوان و جوان در عرصه‌های علمی و ورزشی، در تجلی امید و پیشرفت و نشاط در کشور، کلید «هرچه قوی‌تر شدن ایران» را مرز شکنی علمی نخبگان دانستند و تأکید کردند: در چارچوب فراراهبرد «العلم سلطان»، پیشرفت کشور نیازمند یک خیزش علمی عمیق و شتابان است و مسئولان باید ضمن فراهم کردن زیرساخت‌ها و زمینه‌های این جهش علمی، از ظرفیت‌های فردی و خرد جمعی نخبگان نیز بهره‌گیری حداکثری داشته باشند.

۲



نوبنیاد از اهداف سفر مقامات ۴ کشور منطقه گزارش می‌دهد

برای یاری ترامپ نگران از پاسخ ایران

تذکر آیت‌الله اراکی به
سران قوا برای مقابله
با مروجان برهنگی

۳



وضعیت جنگی است؛
«نه جنگ نه صلح»
خطای محاسباتی است!

۳



درس عبرت تاریخی ترامپ
بارودریگرها

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

صفحه ۴

بین الملل

پیروزی لولا، شکست پروژه ترامپ

پیروزی مجدد لولا داسیلوا در انتخابات برزیل، ضربه‌ای سیاسی به جریان راست افراطی و طرح دونالد ترامپ برای گسترش نفوذ آمریکا در آمریکای لاتین وارد کرد. لولا با کسب حدود ۵۱.۸ درصد آرا، فلایو بولسونارو، نامزد راست‌گرا برزیل را شکست داد.

صفحه ۴

اقتصادی

عبور از ناترازی گاز با کلید روسی

ایران سال‌هاست با ناترازی گاز، زمستان را سرمی‌کند، اما این زمستان با سال‌های قبل متفاوت است؛ به این دلیل که چهارپالایشگاه گازی کشورمان در جریان جنگ با آمریکا و رژیم صهیونیستی آسیب دیدند و ۲۳۵ میلیون مترمکعب تولید گاز از دست رفت.

تحولات ونزوئلا پس از عملیات نظامی آمریکا در سوم ژانویه ۲۰۲۶ و بازداشت نیکلاس مادورو، نشان داد که واشنگتن برای رسیدن به اهداف خود، الزاماً به یک نسخه ثابت سیاسی پایبند نیست. دلسی رودریگز، معاون پیشین مادورو، در رأس دولت موقت قرار گرفت و دولت ترامپ به جای سپردن فوری قدرت به ماچادو یا ادموندو گونزالس، مسیر همکاری با رودریگز را انتخاب کرد. توافق‌های نفتی و امتیازهای اقتصادی نیز به یکی از محورهای این همکاری تبدیل شدند. متن کامل در صفحه ۶

رهبر معظم انقلاب در پیامی خطاب به نخبگان و مدال‌آوران علمی و ورزشی مطرح کردند

نقشه‌ی راه نخبگان برای «ایران هرچه قوی‌تر»



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

پیشرفت و اقتدار ایران را ندارد و از همهٔ ابزارها و شیوه‌های خود برای تضعیف نخبگان ایران عزیز استفاده می‌کند؛ از ناامیدسازی و مأیوس کردن تا تصرف ذهن و روح‌شان، بلعیده شدن در هاضمهٔ استعمار نوین و تبدیل کردن آنها به پیچ و مهرهٔ ماشین غارت و سرمایه‌سالاری غرب. غافل از اینکه قطره قطرهٔ خون نخبگان و دانشمندان و اساتید و دانشجویان و دانش‌آموزان شهید این ملت، طوفانی از اراده و پیشرفت را بپا کرده و می‌کند.

ملت ایران سابقهٔ تمدن کهن خود و افتخارات گوناگون در علوم و فنون و برخورداری از مفاخر و دانشمندان نام‌آور جهان را در کنار دو قرن عقب‌ماندگی شدید و انفعال تاریخی دوران قاجار و پهلوی به یاد دارد. این ملت، قدر و ارزش فراراهبرد پیروزمندانهٔ «ألعلم سلطان» و نتایج آن در نپذیرفتن سلطهٔ علمی غرب، و رشد سریع علمی و تحقیقاتی نخبگان در سه دههٔ اخیر که مقدار قابل توجهی از آن مرهون ندابیر خاص و هدایت‌های رهبر عظیم‌الشأن شهید قدس‌الله نفسه‌الزکیه بوده است را می‌داند. اگر تا قبل از مقطع کنونی و جنگ تحمیلی سؤم، خیزش جدید علمی، توصیه‌ای لازم و ضروری برای نخبگان بود، تجربهٔ دو جنگ اخیر به همه ثابت کرد که این خیزش علمی جدید بایستی عمیق و پرشتاب باشد.

همهٔ مردم عزیز کشورمان و تک تک افتخار آفرینان تبریک می‌گویم، و تجلیل و قدرشناسی خود را نسبت به عزم و ارادهٔ پیش‌رانان قافلهٔ افتخار و امید و پرچم‌داران پیشرفت کشور در همهٔ اقشار نخبه از نوجوانان و جوانان تا مربیان و اساتید و فرزنانگان ابراز می‌کنم. انگیزه و امید نخبگان برای تحوّل در کشور، شعلهٔ فروزنده‌ای است که اینجانب در طول سالها و دهه‌های گذشته از دور و نزدیک شاهد آن هستم، و مشاهدهٔ حرکت عظیم و امیدآفرین نخبگان و جریان علمی در کشور و جلوه‌های این حرکت در قهرمانی‌های مکرر، پی‌درپی، و هرساله در رشته‌های علمی، المپیادها، و رشته‌های ورزشی برای همهٔ ملت ایران، افتخارآمیز و غرورانگیز است.

ایران قوی بر پایهٔ اقتدار علمی و فناوری استوار است و این محور، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نقش‌آفرینی ایران در معادلات و نظم جدید جهانی است. پس کلید هرچه قوی‌تر شدن آن، مرزشکنی و راه‌حل‌گشایی نخبگان در مسائل علمی کشور است، و خباثت و جنایت دشمنان ایران اسلامی علیه دانشمندان و نخبگان، نشان دهندهٔ نقش مؤثر نخبگان در قوّت کشور است. آن دشمنی که دانشمندان برجسته و نخبگان مؤثر جامعهٔ ما را در جنگ‌های تحمیلی دّوم و سوّم و البته سال‌ها قبل از آن در محیط‌های علمی و زندگی عادی‌شان ترور می‌کند، چشم دیدن

حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در پیامی به نخبگان و مدال‌آوران علمی و ورزشی در میادین جهانی با اشاره به نقش بی‌بدیل نخبگان و افتخار آفرینان نوجوان و جوان در عرصه‌های علمی و ورزشی، در تجلی امید و پیشرفت و نشاط در کشور، کلید «هرچه قوی‌تر شدن ایران» را مرزشکنی علمی نخبگان دانستند و تأکید کردند: در چارچوب فراراهبرد «العلم سلطان»، پیشرفت کشور نیازمند یک خیزش علمی عمیق و شتابان است و مسئولان باید ضمن فراهم کردن زیرساخت‌ها و زمینه‌های این جهش علمی، از ظرفیت‌های فردی و خرد جمعی نخبگان نیز بهره‌گیری حداکثری داشته باشند.

در بخش‌هایی از پیام رهبر معظم انقلاب که شب گذشته در مراسم تجلیل از مدال‌آوران علمی و ورزشی توسط حجت‌الاسلام حاج علی‌اکبری قرائت شد، آمده است:

ابتدا فرصت را مغتنم شمرده و کسب نشان‌ها و مدال‌های متعدد و افتخارات علمی در المپیادهای نجوم و اخترفیزیک، ریاضیات، علوم زمین، جغرافیا، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، رایانه و هوش مصنوعی، علوم انسانی، و نیز انواع افتخارات ورزشی اخیر را به

خبر کوتاه

جبلی: مردم کسانی که می‌خواهند خیابان نباشد را جمع خواهند کرد

رئیس سازمان صداوسیما در جمع مردم مبعوث اظهار داشت: در کنار ملت مبعوث تا خون‌خواهی امام شهید محقق نشود از میدان خارج نخواهیم شد. وی همچنین اظهار کرد: دشمن ذلیل و حقیر شده است و این مائیم که ما مقتدر هستیم. رئیس سازمان صداوسیما در پایان تأکید کرد: کسانی که می‌خواهند خیابان رو جمع کنند این ملت آنها را جمع خواهند کرد!

برخی حفظ خودشان و حفظ جریانشان برایشان مهم‌تر از حفظ ایران است

سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی، معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم در تجمع میدانی مردم اسلامشهر گفت: ما کمبود رجال ملی داریم؛ رجال ملی کسانی هستند که منافع ملی و منافع مردم برایشان از منافع شخصی، حزبی، جریانی و قومی مهم‌تر باشد نه اینکه حفظ خودشان و حفظ جریانشان برایشان مهم‌تر از حفظ ایران باشد.

سعید لیلان: ایران چاره‌ای جز اتمی شدن ندارد

سعید لیلان روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر مسائل سیاسی و اقتصادی طی گفتگویی به طرح دیدگاه خود در خصوص تغییر دکتترین هسته‌ای کشور در شرایط فعلی پرداخت. و اظهار داشت: ایران چاره‌ای جز اتمی شدن ندارد

طرح جالب یک کارشناس مسائل سیاسی برای خروج از ان پی تی

خراطیان، کارشناس مسائ سیاسی و بین الملل در برنامه به وقت ایران ایده‌ای جالب برای خروج ایران از ان پی تی مطرح کرد. وی گفت: «پیشنهاد می‌کنم مجلس طرح سه‌فوریتی خروج از NPT در صورت حملهٔ مجدد آمریکا و اسرائیل به ایران را پیگیری کند. می‌توانیم از ظرفیت چین و روسیه در مناقشهٔ هسته‌ای با آمریکا استفاده کنیم؛ یعنی به جای بازرسان آژانس، فقط بازرسان روسیه و چین در ایران حضور پیدا کنند. در این طرح ایران می‌پذیرد که مواد غنی‌شده خود را مدتی فریز کند اما به شرط این که چین و روسیه به ایران تضمین دهند که در صورت حملهٔ مجدد آمریکا، از خروج ایران از NPT و هسته‌ای‌شدن ایران حمایت کنند. این تنها حالتی است که ایران می‌تواند در آن دوباره در موضوع هسته‌ای مذاکره کند.»

زیرساخت‌های ارتباطی منطقه هدف بعدی نیروهای مسلح

روز گذشته امیر سرتیپ اکرمی نیا، سخنگوی ارتش با اشاره به احتمال ورود به عرصه‌های جدید نبرد تصریح کرد: فکر می‌کنم در جنگ احتمالی آینده، علاوه برگسترش جغرافیا، موضوعات جدیدی نیز مطرح خواهد شد. وی در تشریح این موضوع گفت: زیرساخت‌های انرژی در منطقه، زیرساخت‌های ارتباطی که عمدتاً از کف خلیج فارس و دریای عمان عبور می‌کنند و هر جایی که دشمن منافعی داشته باشد، می‌توانند در آینده از اهداف مشروع نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باشند. سخنگوی ارتش خاطرنشان کرد: ورود به این عرصه‌های جدید جنگ در صورتی خواهد بود که دشمن دچار خطای محاسباتی شود.

سیاسی

مطالبه رهبر انقلاب از اژدهای برای برخورد با فساد درون‌قوهای

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژده‌ای، روز دوشنبه (۴ آبان) طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضاییه، درباره دیدار اخیر خود با مقام معظم رهبری، با اشاره به استواری و صلابت رهبر معظم انقلاب بیان داشت: «در دیداری که توفیق پیدا کردم و در محضر مقام معظم رهبری حضور یافتم، به عینه مشاهده کردم که ایشان در نهایت صلابت و صحت هستند. ایشان کاملاً مشرف به مسائل روز داخلی و خارجی هستند و از مجاری مختلف، اطلاعات به ایشان واصل می‌شود.» وی افزود: «در دیداری که در محضر مقام معظم رهبری حضور داشتم، گزارشی از مسائل روز کشور و مسائل مرتبط با قوه قضاییه به محضر ایشان ارائه کردم.» قاضی‌القضات به برخی از نصاب و دستورات رهبری معظم نیز اشاره و خاطرنشان کرد: «در صدر نصاب و دستورات رهبر معظم انقلاب، آن بود که حتی برای لحظه‌ای نیز فرصت‌ها را از دست ندهیم.

باید فرصت‌های خدمت به مردم را غنیمت بشماریم.» وی، مقوله‌ی مبارزه با فساد را از جمله مطالبات مقام معظم رهبری و ملت مبعوث‌شده‌ی ایران دانست و اظهار کرد: «از توصیه‌های مؤکد رهبر معظم انقلاب، مبحث مقابله‌ی قاطعانه با فساد و مظاهر فساد بود. کسانی که

آگاهانه و ناآگاهانه در زمین دشمن بازی می‌کنند و فشار مضاعف بر مردم و زندگی مردم می‌آورند، چه از حیث اقتصادی و چه از جهات امنیتی؛ بدانند که مورد برخورد قاطعانه، قانونی، سریع، دقیق، عادلانه و بدون تبعیض قرار می‌گیرند.» رئیس قوه قضاییه در ادامه بر موضوع مبارزه با فساد درون‌قوهای تأکید ورزید و بیان داشت: «از دیگر توصیه‌ها و اوامر رهبر معظم انقلاب، توجه درون تشکیلاتی بود. قطعاً اگر کوچکترین سستی و ضعف و اهمالی در کار ما وجود داشته باشد به مردم جفا کرده‌ایم.»



تذکر آیت‌الله اراکی به سران قوا برای مقابله با مروجان برهنگی



آیت‌الله اراکی، عضو مجلس خبرگان رهبری، طی سخنانی درباره وضعیت نامطلوب حجاب در خیابان‌ها اظهار کرد: «وحدت

اجازه نمی‌دهد که مادر برابر تنزیع ارزش‌های دینی سکوت کنیم. سکوت در این شرایط جایز نیست و باید اقدام و عمل کرد.» این عالم دینی در ادامه سخنان خود، ضمن اشاره به اینکه در این مسئله بایستی از درگیری خیابانی با مروجان برهنگی پرهیز کرد، تصریح کرد: «عناصر ضدانقلاب وضد دین به دنبال ایجاد درگیری و تشدید فضای عمومی هستند.» وی با توجه به همین مسئله، خطاب به رئیس‌جمهور افزود: «درگیری خیابانی لازم نیست، اما باید حرف زد! شما، رئیس‌جمهور، لااقل حرف بزن و بگو که بی‌حجابی حرام است!» عضو مجلس خبرگان رهبری در ادامه سخنان خود، خطاب به رئیس مجلس اظهار کرد:

«ما شما را انقلابی حساب می‌کردیم! چرا زبان در کام گرفته‌اید و حرفی نمی‌زنید؟» وی همچنین خطاب به رئیس قوه قضائیه گفت: «اقدام کنید و اقدام صرفاً به معنای بگیر و ببند نیست. بایستی جلوی این مفسده اجتماعی و جنگ علیه هویت، دین و همه چیز ملت ما را بگیرید!» آیت‌الله اراکی خاطرنشان کرد: «کسانی که بی‌حجابی را ترویج می‌کنند یا در برابر بی‌حجابی اقدامی نمی‌کنند، وحدت‌شکن هستند.» وی تصریح کرد: «وحدت‌شکنان واقعی آنهایی هستند که اجازه می‌دهند هویت دینی و ملی ما علناً و صریحاً در خیابان‌ها و مجامع عمومی زیر پا له شود و هیچ دم نمی‌زنند!»

((نوبیاد)) از ادعای وضعیت «نه جنگ، نه صلح» در سخنان رئیس‌جمهور و پیامدهای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد گزارش می‌دهد

وضعیت جنگی است؛ «نه جنگ نه صلح» خطای محاسباتی است!

سخنان اخیر رئیس‌جمهور مبنی بر ضرورت خروج از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» در حالی مطرح شد که کشور در شرایط جنگی فوق‌العاده قرار دارد و «وضعیت نه جنگ، نه صلح» نیز محصول مواضع و اقدامات پزشک‌پژشکیان و برخی از مسئولان عالی‌رتبه است. در همین راستا، ضروری است که دولت و مقامات دولتی، به‌جای اصرار بر خطای محاسباتی و دادن پالس ضعف به دشمن، با درپیش گرفتن یک مدیریت جنگی و متناسب با اقتضائات کنونی، در کنار نیروهای مسلح به تقویت میدان و پشتیبانی از ابزارهای بازدارنده ایران، از جمله تاب‌آوری مردم، بپزدازند.

امین مهاجر
روزنامه‌نگار

چگونه «نه جنگ و نه صلح» به وجود آمد؟

نکته قابل تأمل و پرسش برانگیز در سخنان رئیس‌جمهور، افراد نزدیک به او و بیان ضرورت خروج ایران از وضعیت «نه جنگ و نه صلح» این است که آیا با طرح این مواضع، آن‌هم در شرایط کنونی که روند تهدیدات دشمن افزایش یافته است، به علل و چگونگی قرار گرفتن ایران در این وضعیت هم فکر شده است؟ به عبارت دیگر، شرایط کنونی محصول یک راهبرد و محاسبه اشتباه و غیراصولی برخی از جریان‌ها و اقدامات برخی از مسئولان کشور در ماجرای آتش‌بس جنگ تحمیلی و امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد است.

علاوه بر این، مروری بر مواضع پزشک‌پژشکیان از ابتدای جنگ ۱۲ روزه تا کنون، حاکی از این مطلب است که اتفاقاً اظهارات و سخنان وی بی‌تأثیر بر وضعیت کنونی نبوده است. به تعبیری دیگر، اظهارات توأم با ضعف رئیس‌جمهور، اراده دشمن را برای درهم کوبیدن تاب‌آوری و مقاومت ملی مردم ایران مستحکم‌تر می‌کند و در این میان، آن مقاومت و جنگی که می‌توانست به یک صلح پایدار تبدیل شود، اکنون به وضعیتی مبدل گشته که رئیس‌جمهور بدان معترض است و معتقد است باید از آن عبور کرد.

پزشک‌پژشکیان در اواسط جنگ ۴۰ روزه، با اتخاذ موضع ناامیدکننده «عذرخواهی از همسایگان»، سوژه و ابزار سوءاستفاده ترامپ برای تشدید فشار و تثبیت موضع برتر آمریکا قرار گرفته بود. رئیس‌جمهور دولت تروریستی آمریکا طی تویییتی در واکنش به پالس ضعف پزشک‌پژشکیان مدعی شده بود: «ایران که در حال شکست خوردن شدید است، از همسایگان خاورمیانه‌ای خود عذرخواهی کرده و تسلیم شده است و قول داده که دیگر به سوی آنها شلیک نکند. این وعده فقط به خاطر حملات بی‌وقفه آمریکا و اسرائیل داده شد.»

البته پالس‌های وضعی که پزشک‌پژشکیان تاکنون به خارج از کشور مخبره کرده است، بیش از این موارد است؛ از جمله: «پول نداریم»، «نمی‌توانیم نفت بفروشیم»، «اگر بسازیم،

دوباره می‌زنند»، «دشمن تمام راه‌ها را بسته است»، «با دولت‌های مسلمان در حال گفت‌وگو هستند تا با ما معامله نکنند»، «بهتر است امروز جنگ را پایان دهیم» و... بنا بر این، دولت و رئیس‌جمهور نباید در برابر دشمنی که اهداف خود را صراحتاً اعلام کرده است، دچار بلاتکلیفی شوند. تقلیل شرایط کنونی به وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، در حالی که دشمن از براندازی جمهوری اسلامی سخن می‌گوید و از برنامه‌ریزی برای عملیات بعدی با عنوان «خشم حماسی کوچک» خبر می‌دهد، خطایی محاسباتی و مهلک است.

جز مقاومت و قدرت نظامی راهی وجود ندارد

از سوی دیگر، پزشک‌پژشکیان به تأکید رهبر شهید انقلاب بر خروج از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» اشاره می‌کند. این سخنان در حالی مطرح شد که رهبر شهید انقلاب صریحاً موضع نظام جمهوری اسلامی را در اول مهرماه ۱۴۰۴ مشخص کرده و فرموده بودند: «راه علاج پیشرفت کشور، قوی شدن است، باید قوی بشویم. قوی شدن نظامی لازم است، قوی شدن علمی لازم است، قوی شدن دولتی و ساختاری و سازمانی لازم است. باید افراد هوشمند ما، صاحب‌نظران دلسوز ما بنشینند، راه‌های تقویت کشور را پیدا کنند و این راه‌ها را دنبال کنند. اگر این‌ها شد، آن وقت طرف تهدید هم نمی‌کند؛ اگر دید طرف مقابل قوی است، حتی تهدید هم نمی‌کند. به نظر من جز این راهی وجود ندارد.»

یادداشت

دولت در برابر محرومان؛ مسئولیتی فراتر از سامانه‌ها

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

مهلت خوداظهاری مردم کشورمان در اواخر مهرماه گذشته، با چالش‌های متعددی همراه بود. چالش‌هایی که بخشی ناشی از کم‌اطلاعی، گرفتاری، سردرگمی اقشار محروم در اینکه باید چه کرد؟ و بخش دیگر ناشی از ناتوانی و عدم مدیریت صحیح مسئولان دولت چهاردهم در ارائه خدمات دیجیتال بود. از کارافتادن سایت my.gov.ir در زمان بازه مهلت خوداظهاری و مراجعت شهروندان به بسترهای جایگزین نظیر پیام‌رسان بله از و عدم امکان اعتراض و پیگیری ثانویه، از جمله مشکلاتی بود که شهروندان و اقشار محروم با آن مواجه بودند.

لذا حکمرانی و خدمت‌رسانی دیجیتال که در عصر کنونی با هدف تسهیل و راحتی شهروندان توسعه پیدا کرده است در این ماجرا مایه استرس و اضطراب شهروندان بویژه اقشار محروم شده بود. و نکته‌ای که بدان باید توجه داشت، این مسئله است که آیا تمام شهروندان بویژه اقشار کم‌درآمد و از آن مهم‌تر اقشار کم‌درآمد مناطق محروم اعم از کشاورزان، دامداران، کارگران و... که در این شرایط سخت اقتصادی درگیر معیشت و مشکلات اقتصادی خانواده خود هستند،

چگونه باید از خدمات دیجیتال بهره ببرند؟ برخی از کاربران فضای مجازی در همین رابطه نوشتند: «بسیاری از مردم به‌ویژه ساکنان روستاها از نحوه ثبت‌نام و تکمیل فرم خوداظهاری برای افزایش اعتبار کالبرگ اطلاع کافی ندارند. روز گذشته در روستای محل تولدم شاهد بودم که بسیاری از مردم و حتی اقوام از این فرایند بی‌اطلاع بودند. روستاییانی که بیشتر به کشاورزی و دامداری مشغول‌اند، پس از یک روز کار سخت فرصت و امکان پیگیری همه این اخبار را ندارند.»

همچنین یک کاربر دیگر در فضای مجازی نوشت: «در مورد کالبرگ نخست اینکه با توجه به افزایش قیمت‌ها، انتظار می‌رود دولت مطابق وعده اولیه اعتبار کالبرگ را به‌گونه‌ای افزایش دهد که قدرت خرید مردم حفظ شود. دوم اینکه اگر افزایش اعتبار صرفاً برای چند دهک در نظر گرفته شده چرا مردم باید برای تکمیل فرم‌ها و ثبت اطلاعات سرگردان کافی‌نت‌ها و دفاتر پیشخوان دولت شوند؟ مسئله مهم‌تر، نبود امکان ویرایش اطلاعات است. برخی افراد اطلاعات خود را اشتباه ثبت کرده‌اند یا اموالی را فروخته‌اند که هنوز انتقال مالکیت آن‌ها در سامانه‌های مربوطه انجام نشده است؛ اما امکان اصلاح اطلاعات یا ارائه توضیحات برایشان وجود ندارد. لطفاً پیگیری کنید.»

یا شهروندی دیگر با وجود اینکه او مطابق استعلام دهک در رتبه دهک‌بندی ۳ بود، پس از سردرگمی بسیار و متوجه شدن این موضوع که سایت my.gov.ir خدمات‌رسانی نمی‌کند و تنها راه پیگیری در بله است با پیام «کد ملی سرپرست خانوار شما در این مرحله مشمول طرح افزایش اعتبار کالبرگ نمی‌باشد» مواجه شده بود.

بنابراین در ماجرای اخیر افزایش کالبرگ، آنهم در شرایط سخت اقتصادی و مشکلات معیشتی بسیاری از جامعه هدف که اتفاقاً این طرح با هدف حمایت از آنها شکل گرفته بود در این ماجرا به خاطر عدم مدیریت صحیح دولت و ناکارآمدی آن، ممکن است از حقوق و آنچه که مستحق دریافت آن هستند محروم شده باشند و ضروری است که دولت در قبال مسئولیتی که در برابر اقشار ضعیف جامعه دارد پیگیر مشکلات از طرق دیگر باشد و صرفاً به بسترهای فنی و سامانه‌های پراز اشکال دیجیتال بسنده نکند!

تنگه هرمز، قیمت گاز اروپا را رکورددار کرد



قیمت گاز طبیعی در بازار اروپا در معاملات دیروز (دوشنبه) برای نخستین بار از ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲ (۳۰ آذر ۱۴۰۱) از مرز ۱۱۰۰ دلار به ازای هر هزار مترمکعب عبور کرد؛ جهشی که بار دیگر نگرانی‌ها درباره تأمین انرژی اروپا در آستانه فصل سرما را افزایش داده و بازار گاز این قاره را به بالاترین سطوح چند سال اخیر رسانده است. براساس داده‌های بورس لندن، قراردادهای آتی گاز با سررسید ماه نوامبر در شاخص تی تی اف (TTF)؛ مهم‌ترین هاب گازی اروپا در هلند، معاملات روز دوشنبه را در محدوده ۱۱۰۱.۵ دلار به ازای هر هزار مترمکعب آغاز کردند که نسبت به قیمت تسویه روز کاری قبل، حدود ۱.۳ درصد افزایش داشت. در ادامه معاملات، روند صعودی قیمت تشدید شد و بهای این قراردادها تا

ساعت ۹:۱۰ صبح دوشنبه به وقت مسکو به ۱۱۰۹.۳ دلار رسید که حدود ۲ درصد بیش‌تر از قیمت تسویه روز قبل، یعنی ۱۰۸۷.۳ دلار بود. عبور قیمت از کانال ۱۱۰۰ دلار از آن جهت اهمیت دارد که آخرین بار بازار اروپا در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲ چنین سطحی را تجربه کرده بود؛ دوره‌ای که بازار انرژی اروپا همچنان تحت تأثیر شدید بحران عرضه گاز و پیامدهای جنگ اوکراین قرار داشت. در کنار عوامل فصلی و وضعیت ذخایر، تشدید تنش‌ها در خاورمیانه و نگرانی از دشوارتر شدن عبور محموله‌های ال ال ان جی (LNG) از تنگه هرمز، به یکی از عوامل اثرگذار بر بازار گاز اروپا تبدیل شده است. در سپتامبر نیز قیمت گاز اروپا برای نخستین بار از ۲۰۲۲ از مرز ۱۰۰۰ دلار عبور کرد و متوسط قیمت ماهانه به ۸۹۷.۱ دلار رسید

که حدود ۲۰ درصد بالاتر از متوسط ماه اوت بود. اکنون عبور قیمت از ۱۱۰۰ دلار، بازار اروپا را بار دیگر به محدوده‌های قیمتی بحران انرژی در سال ۲۰۲۲ نزدیک کرده است. افزایش قیمت‌ها در شرایطی رخ می‌دهد که ذخایر گاز اروپا نیز در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. میزان ذخایر اتحادیه اروپا حدود ۷۴.۶ درصد ظرفیت گزارش شده است و با کاهش دما و آغاز برداشت از ذخایر، نیاز به تأمین محموله‌های جدید افزایش می‌یابد. در این شرایط، اروپا باید برای خرید محموله‌های ال ال ان جی با خریداران آسیایی رقابت کند؛ بنابراین، هرگونه تشدید تنش در تنگه هرمز که عبور و تحویل ال ال ان جی خلیج فارس را دشوارتر سازد، می‌تواند فشار مضاعفی بر بازار وارد کرده و قیمت گاز را باز هم بالاتر ببرد.

نوبنیاد با توجه به سفر رئیس جمهور گزارش می‌دهد؛

عبور از ناترازی گاز با کلید روسی

ایران سال‌هاست با ناترازی گاز، زمستان را سرمی‌کند، اما این زمستان با سال‌های قبل متفاوت است؛ به این دلیل که چهارپالایشگاه گازی کشورمان در جریان جنگ با آمریکا و رژیم صهیونیستی آسیب دیدند و ۲۳۵ میلیون مترمکعب تولید گاز از دست رفت. هرچند وزارت نفت گزارش داده که ۱۰۰ میلیون مترمکعب از این میزان به مدار بازگشته است، همچنان ناترازی در کشور وجود دارد و نسبت به سال‌های قبل نیز تشدید شده است. این موضوع می‌تواند از یک سو نیروگاه‌ها و از سوی دیگر صنایع را تحت فشار تولید قرار دهد؛ از این رو، واردات گاز به کشورمان یکی از مسیرهای اصلی جبران ناترازی است.

گذشته به مراحل پیشرفته‌ای رسیده است. محسن پاک‌نژاد، وزیر وقت نفت، در بهمن‌ماه ۱۴۰۴ و در جریان نوزدهمین کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه، از پیشرفت توافقی‌ها و نزدیک شدن پرونده صادرات گاز روسیه به ایران به مرحله نهایی خبر داده بود. او در آن مقطع با اشاره به اینکه تنها یک یا دو بند فنی و تشریفاتی از توافق باقی مانده است، تأکید کرد که با وجود عملکرد مطلوب تولید گاز در پارس جنوبی، شدت ناترازی و میزان تقاضای داخلی، واردات گاز از روسیه را به ضرورتی جدی تبدیل کرده است. سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران نیز در بهمن‌ماه سال گذشته اعلام کرده بود که مذاکرات درباره قرارداد موسوم به «ژنرال فریم‌ورک» وارد مرحله نهایی شده است. به گفته او، موضوعات فنی، حقوقی، جانمایی ترمینال‌ها، تدوین شرایط قراردادی و سایر محورهای تخصصی در کارگروه مشترک بررسی شده و تعیین قیمت نهایی و سازوکار تسویه مالی از موضوعات باقی‌مانده بوده است. در چنین شرایطی، طولانی شدن مذاکرات برسر جزئیات تجاری، بدون توجه کافی به هزینه تأخیر در تأمین گاز، می‌تواند به زیان ایران تمام شود. قیمت خرید، شرایط پرداخت و تعهدات دو طرف اهمیت دارند، اما ارزیابی قرارداد باید هزینه‌های احتمالی کمبود گاز، توقف صنایع و محدودیت تولید برق را نیز در نظر بگیرد. اگر قرارداد به گونه‌ای تنظیم شود که گاز وارداتی در زمان مناسب و با حجم قابل اتکا به شبکه ایران برسد، می‌توان بخشی از فشار زمستانی را کاهش داد. در مقابل، امضای توافقی که اجرای آن به ماه‌های پس از اوج مصرف موکول شود، نمی‌تواند پاسخ مناسبی به نیاز فوری کشور باشد.

فرصت زمستانی را نباید از دست داد

همکاری با روسیه در حوزه گاز باید در دوافق زمانی دنبال شود. در افق کوتاه‌مدت، اولویت با نهایی کردن قرارداد و آغاز تحویل گاز در زمانی است که بیشترین نیاز به آن وجود دارد. در افق بلندمدت نیز ایران باید از این همکاری برای توسعه سوآپ و ترانزیت، تقویت زیرساخت‌های انتقال و ذخیره‌سازی و گسترش مناسبات تجاری انرژی استفاده کند. در کنار این اقدامات، بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده پالایشگاه‌های گازی، تسریع پروژه‌های فشارافزایی پارس جنوبی و مدیریت مصرف نیز ضروری است. مسئله اصلی، ترکیب درست ابزارهای موجود است. اگر دولت بتواند واردات را به موقع آغاز کند، مصرف را مدیریت کند و برنامه مشخصی برای تخصیص گاز به بخش‌های مختلف داشته باشد، احتمال بروز اختلال گسترده در فعالیت صنایع و نیروگاه‌ها کاهش خواهد یافت. در مقابل، تأخیر در اجرای توافق با روسیه، در شرایطی که بخشی از ظرفیت پالایشی کشور در جنگ آسیب دیده است، ریسک تأمین انرژی را افزایش می‌دهد. از این رو، موافقت روسیه با صادرات گاز باید فرصتی برای اقدام عملی تلقی شود، نه صرفاً دستاوردی دیپلماتیک که در سطح مذاکرات باقی بماند.



محمدحسین علی‌اکبری

روزنامه‌نگار

اکنون مجمع کشورهای صادرکننده گاز در روسیه در حال برگزاری است و رئیس‌جمهور و سرپرست وزارت نفت نیز در این اجلاس حضور دارند. آنها همچنین دیدارهایی با مقامات روسیه داشته‌اند و براساس اطلاعات موجود، طرف روسی اعلام آمادگی کرده است تا در زمستان، صادرات گاز به ایران داشته باشد و از ناترازی این انرژی بکاهد. برخی کارشناسان معتقدند در شرایط فعلی، ایران بدون معطلی باید اقداماتی را برای به سرانجام رسیدن این موضوع انجام دهد و اجازه ندهد این قرارداد مهم به سرنوشت خط اعتباری یک میلیارد دلاری دچار شود؛ خط اعتباری که روسیه بارها آمادگی خود را برای آن اعلام کرده، اما بانک مرکزی ایران هنوز اقدامی در خصوص آن انجام نداده است. در چنین شرایطی، تأمین گاز از منابع جایگزین، دیگر صرفاً یک گزینه تجاری یا موضوعی برای توسعه روابط اقتصادی با همسایگان نیست، بلکه می‌تواند به یکی از ابزارهای فوری مدیریت بحران انرژی تبدیل شود. از این منظر، واردات گاز از روسیه اهمیت ویژه‌ای دارد؛ کشوری که از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز جهان به‌شمار می‌رود و ظرفیت قابل توجهی برای همکاری با ایران در حوزه تأمین، انتقال و تجارت منطقه‌ای گاز دارد. اکنون که روسیه موافقت خود را با صادرات گاز به ایران اعلام کرده و مذاکرات دو کشور برای نهایی‌سازی سازوکار همکاری پیش‌رفته است، مسئله اصلی باید عبور از مرحله تقاضا و تعیین چارچوب‌های کلی و رسیدن به مرحله اجرا باشد. هرگونه تأخیر در نهایی کردن قرارداد و فراهم کردن زیرساخت‌های دریافت گاز، می‌تواند فرصت استفاده از این ظرفیت را در زمستان پیش‌رو محدود کند؛ فصلی که در آن، هر مترمکعب گاز برای جلوگیری از توقف تولید صنعتی و حفظ پایداری شبکه انرژی اهمیت دارد.

صنایع؛ نخستین قربانی ناترازی گاز

پیامدهای کمبود گاز به‌طور مستقیم در بخش تولید نمایان می‌شود. با افزایش مصرف خانگی در زمستان، اولویت تأمین گاز به سمت حفظ گرمایش خانوارها تغییر می‌کند و صنایع، نیروگاه‌ها و برخی واحدهای تولیدی با محدودیت در دریافت گاز مواجه می‌شوند. این محدودیت‌ها ممکن است در ظاهر به حفظ پایداری شبکه خانگی کمک کنند، اما هزینه اقتصادی قابل توجهی به همراه دارند. صنایع انرژی‌بر، به‌ویژه واحدهای پتروشیمی، فولاد، سیمان و سایر بخش‌هایی که به گاز طبیعی به‌عنوان سوخت یا خوراک تولید وابسته‌اند، برای تداوم فعالیت خود به دسترسی پایدار

به انرژی نیاز دارند. کاهش یا قطع گاز در این واحدها می‌تواند برنامه تولید را مختل کند، هزینه‌های عملیاتی را افزایش دهد و تحویل محصولات به بازارهای داخلی و خارجی را به تأخیر بیندازد. در برخی صنایع، امکان استفاده از سوخت دوم وجود دارد، اما این جایگزینی لزوماً بدون هزینه نیست. تغییر سوخت ممکن است به محدودیت‌های فنی، افزایش هزینه تأمین انرژی، افت راندمان یا نیاز به تنظیمات و تجهیزات متناسب منجر شود. افزون بر این، همه واحدهای صنعتی امکان استفاده از سوخت جایگزین را ندارند و میزان آمادگی آنها نیز یکسان نیست.

چرا روسیه می‌تواند بخشی از راه حل باشد؟

ایران و روسیه از ظرفیت‌های قابل توجهی برای همکاری در بازار گاز برخوردارند. روسیه منابع عظیم گازی و تجربه گسترده‌ای در تولید و تجارت این حامل انرژی دارد و ایران نیز با برخورداری از ذخایر بزرگ گاز، شبکه انتقال گسترده و موقعیت جغرافیایی ویژه، می‌تواند به یکی از حلقه‌های مهم تجارت منطقه‌ای انرژی تبدیل شود. با وجود این ظرفیت‌ها، واردات گاز از روسیه در نگاه نخست ممکن است متناقض به نظر برسد؛ زیرا ایران خود یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز طبیعی جهان است. اما داشتن ذخایر عظیم زیرزمینی، لزوماً به معنای برخورداری از عرضه کافی در تمام نقاط کشور و در همه زمان‌های سال نیست. آنچه برای مدیریت شبکه اهمیت دارد، توازن میان تولید قابل دسترسی، ظرفیت انتقال و میزان تقاضا در هر منطقه است. در زمستان، افزایش مصرف در بخش خانگی و تجاری، بخش بزرگی از گاز تولیدی را به خود اختصاص می‌دهد. هم‌زمان، صنایع و نیروگاه‌ها نیز برای ادامه فعالیت به سوخت نیاز دارند. در چنین شرایطی، حتی اگر تولید سالانه کشور در سطح بالایی قرار داشته باشد، محدودیت عرضه در روزهای اوج مصرف می‌تواند به ناترازی منجر شود. واردات گاز از روسیه می‌تواند این شکاف را کاهش دهد؛ به‌ویژه اگر گاز وارداتی از مسیرهای شمالی دریافت شود، امکان تأمین بخشی از نیاز مناطق شمالی و شمال شرقی کشور بدون انتقال تمام حجم موردنیاز از میدان‌های جنوبی فراهم خواهد شد. این موضوع از منظر مدیریت شبکه اهمیت دارد؛ زیرا انتقال گاز از جنوب به شمال، به ظرفیت خطوط لوله و شرایط عملیاتی شبکه وابسته است. در این الگو، واردات گاز لزوماً به معنای جایگزین کردن گاز تولید داخل در تمام کشور نیست، بلکه می‌تواند به‌عنوان مکمل عرضه داخلی عمل کند. به بیان دیگر، گاز روسیه در دوره اوج تقاضا به افزایش انعطاف‌پذیری شبکه کمک می‌کند و امکان مدیریت بهتر منابع موجود را فراهم می‌سازد.

توافقی که روی کاغذ مانده است

مذاکرات تهران و مسکو برای واردات گاز، طی ماه‌های

موج خبر

۳۴ میلیارد یورو ارز با کارت‌های یک‌بار مصرف برنگشت

عبدالنصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، چندی پیش از بازنگشتن ۳۴ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات در سال ۱۴۰۴ خبر داد؛ موضوعی که در کنار اعلام رقم ۳۴ میلیارد یورویی تعهدات ایفاننده ارزی مرتبط با کارت‌های بازرگانی یک‌بار مصرف و اجاره‌ای از سوی یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، بار دیگر مسئله بازگشت ارزهای صادراتی را در کانون توجه قرار داده است. با این حال، دادستان تهران نیز از بازداشت ۶۱ نفر در پرونده‌های ارزی و ارسال ۴۲ پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه خبر داد.

میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، اعلام کرد: طبق آخرین گزارش ارائه‌شده از سوی نهاد متولی در جلسه هفته گذشته کمیسیون اقتصادی، حدود ۳۴ میلیارد یورو از تعهدات ایفاننده ارزی مربوط به کارت‌های بازرگانی یک‌بار مصرف و اجاره‌ای است. به عنوان مثال، نفر ششم از میان بزرگ‌ترین متخلفان ارزی، دارنده یک کارت بازرگانی یک‌بار مصرف، خانمی نابینا و ساکن مناطق محروم است. وی افزود: این در حالی است که اولاً با بررسی صلاحیت و اهلیت سنجی تجاری می‌توان جلوی ادامه این تخلفات را گرفت. متأسفانه اتاق بازرگانی، به عنوان نهاد متولی این امر، با تخریف از قانون و برگزاری آزمون‌های صوری نشان داده است که صلاحیت لازم برای این کار را ندارد. ثانیاً، با پیگیری دستگاه‌های قضایی و انتظامی، ذی‌نفعان اصلی و سوءاستفاده‌کنندگان از این کارت‌ها قابل شناسایی هستند.

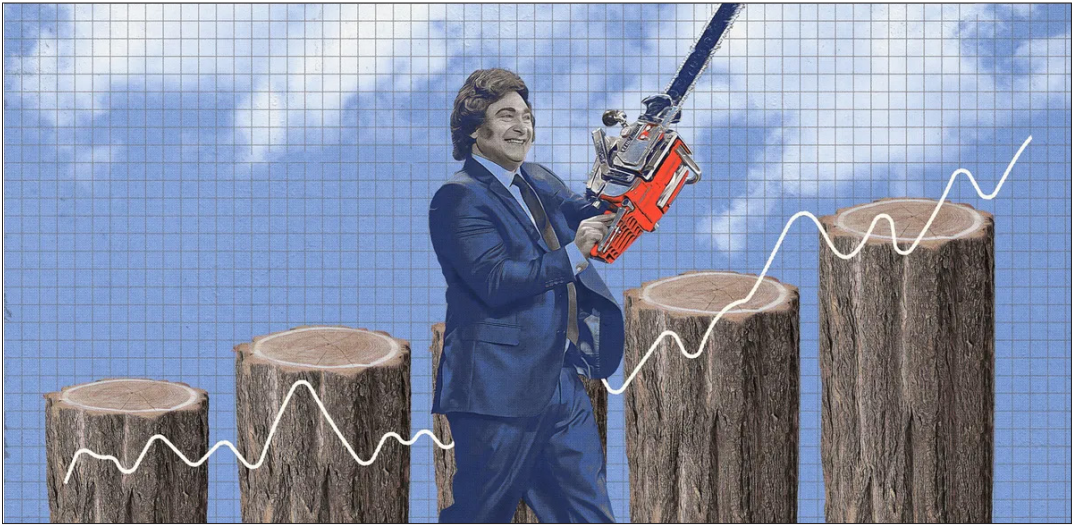
علی صالحی، دادستان تهران، نیز دیروز در نشست شورای عالی قوه قضاییه، گزارشی از نتایج اقدامات هیئت ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی در حوزه ارز ارائه کرد و گفت: در نتیجه پیگیری‌های صورت گرفته از سوی هیئت ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی در حوزه ارز، تاکنون بیش از ۱۰ میلیارد یورو رفع تعهد ارزی صورت گرفته است. در این راستا، تاکنون ۶۱ نفر شامل ۳۶ نفر از مدیران عامل شرکت‌ها و ۲۵ نفر از ذی‌نفعان کارت‌های بازرگانی بازداشت شده‌اند. در ۲۸ فقره پرونده که عمدتاً مربوط به شرکت‌های بزرگ بوده‌اند، رفع تعهدات ارزی به‌طور کامل صورت گرفته است.

همچنین، ۴۶ پرونده منتهی به صدور قرار جلب به دادرسی شده که از این تعداد، ۴۲ پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شده است. وی بیان کرد: در سایر پرونده‌های مفتوح نیز دستورهای لازم برای شناسایی و توقیف اموال متهمان و ممنوع‌الخروجی آنان صادر شده است. همچنین، نیابت‌های قضایی به شهرستان‌های محل سکونت متهمان صادر شده و موضوع به‌صورت جدی در حال پیگیری است.

نوبنیاد پشت پرده کاهش تورم در آژانتین را بررسی کرد؛

«اره برقی» خاویر میلی؛ نماد بریدن از رفاه عمومی

خاویر میلی با وعده مهار تورم، مبارزه با فساد و کوچک‌سازی دولت، سکان ریاست‌جمهوری آژانتین را در دست گرفت، اما نزدیک به سه سال پس از آغاز سیاست‌های ریاضتی او، نه تنها مشکلات اقتصادی این کشور حل نشد بلکه با حذف یارانه‌ها، فشار بر صنایع، کاهش سرمایه‌گذاری، از دست رفتن بیش



هادی مولایی

روزنامه نگار

نشان می‌دهد که فشار اصلی اصلاحات اقتصادی میلی بر دوش مردم عادی و بازنشستگان قرار گرفته است. در چنین شرایطی، کاهش تورم نمی‌تواند به معنای بهبود وضعیت معیشتی مردم تلقی شود؛ چراکه قدرت خرید خانوارها علاوه بر نرخ تورم، به سطح دستمزدها، امنیت شغلی و هزینه‌های ضروری زندگی نیز وابسته است.

تضعیف تولید و کاهش سرمایه‌گذاری

یکی دیگر از پیامدهای سیاست‌های اقتصادی میلی، کاهش حمایت‌های دولتی از صنایع و افزایش واردات بوده است. در طول سه سال گذشته، این روند فشار زیادی بر بسیاری از صنایع آژانتین وارد کرده و نگرانی‌هایی را درباره تضعیف تولید داخلی به وجود آورده است. رونق نداشتن تولید و تضعیف بخش صنعت نیز سبب شده است که سرمایه‌گذاری در آژانتین طی سال‌های اخیر کاهش یابد. ادامه این روند در بلندمدت می‌تواند با افزایش وابستگی اقتصاد این کشور به واردات، آسیب‌های جدی‌تری به بنیان‌های اقتصادی آن وارد کند. در چنین شرایطی، کاهش نقش دولت در اقتصاد، بدون فراهم‌شدن زمینه مناسب برای تقویت تولید داخلی و سرمایه‌گذاری مولد، می‌تواند به تضعیف ظرفیت‌های صنعتی کشور منجر شود؛ ظرفیتی که احیای آن در آینده به منابع مالی، زمان و سیاست‌گذاری‌های حمایتی نیاز خواهد داشت.

هزینه توسعه به بهای تضعیف دانشگاه‌ها؟

یکی دیگر از اقدامات میلی، کاهش بودجه خدمات عمومی بوده است؛ اقدامی که بر کیفیت زندگی مردم تأثیر جدی گذاشته است. از جمله پیامدهای این سیاست می‌توان به اعتراضات دانشجویان و استادان دانشگاه اشاره کرد. کاهش کیفیت ارائه خدمات از یک سو و افزایش فشار مالی بر دانشجویان از سوی دیگر، سبب شده است که در نزدیک به سه سال گذشته، محوطه دانشگاه‌های دومین کشور وسیع آمریکای جنوبی شاهد اعتراضات گسترده و سردادن شعارهایی علیه سیاست‌های مرد اره به دست باشد.

استادان دانشگاه‌ها در آژانتین نیز نسبت به وضعیت دستمزدهای خود و کاهش شدید قدرت خریدشان معترض‌اند. مجموع این اتفاقات می‌تواند به تضعیف نهاد علم و دانشگاه در آژانتین منجر شود و تردیدهای جدی درباره ادعای توسعه از سوی دولت کنونی ایجاد کند. سؤال اینجاست که اگر این الگوی توسعه به تضعیف آموزش عالی منجر می‌شود، اساساً مسیر تحقق توسعه در این کشور از چه دالاتی عبور می‌کند؟ آیا می‌توان

از ۳۰۰ هزار شغل و افزایش دوباره فقر، هزینه سنگینی بر دوش مردم گذاشته شده است. درحالی‌که کاهش تورم به برگ برنده تبلیغاتی میلی تبدیل شده اما اعتراضات و وابستگی به خارج، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا جراحی اقتصادی او واقعاً به بهبود زندگی مردم منجر شده است؟

نبض اقتصاد

قیمت نان‌های فانتزی ۵۵ درصد گران شد

قیمت نان‌های فانتزی و باگت افزایش یافت. بررسی دلایل این گرانی، پای نرخ آرد مصرفی صنف و صنعت را به میان می‌کشد؛ زیرا قیمت جدید آرد به تصویب رسیده، اما اتحادیه‌ها پیشاپیش محصول را قیمت‌گذاری و گران کرده‌اند. فارس در این باره نوشت: نرخ جدید آرد بخش صنف و صنعت حدود ۲۰۵ برابر شده اما هنوز ابلاغ نشده است؛ با این حال، برخی اتحادیه‌ها قیمت نان‌های صنعتی را بر اساس نرخ جدید آرد اعلام کرده‌اند. آرد یارانه‌ای سال‌هاست تا یک بیستم قیمت تمام‌شده در اختیار نانوایی‌ها و بخش صنعت قرار می‌گیرد. پیش از این، قیمت هر کیلوگرم گندم صنعت حدود ۲۳ هزار و ۸۰۰ تومان بود که ظاهراً در تصمیم‌گیری جدید ۶۰ هزار تومان تصویب شده است. محمد جواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران، از افزایش ۵۵ درصدی قیمت نان‌های صنعتی خبر داد و گفت: «نرخ‌نامه جدید برای فروشندگان ارسال شده است.» کرمی دلیل این اقدام را تصویب نرخ آرد نان صنعتی به قیمت ۶۰ هزار تومان در ستاد تنظیم بازار اعلام کرد که پیش از این ۲۳ هزار و ۸۰۰ تومان بود و به گفته او رشد ۲۰۵ برابری داشته است. آرد صنف و صنعت نیمه‌یارانه‌ای بود و دولت به دلیل رشد قیمت گندم، یارانه آن را حذف کرده است. سالانه حدود ۵۰۰ هزار تن آرد در بخش نان صنعتی مصرف می‌شود. براساس نرخ‌نامه جدید اعلام‌شده، قیمت نان برگربه ۴۵ هزار تومان، نان شیرمال به ۱۸۰ هزار تومان و بربری صنعتی به ۹۰ هزار تومان رسیده است.

صفر شدن مالیات ۷۵ درصد مشاغل خرد

معاون تحول هوشمند مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور از تمدید مهلت پرداخت مالیات تا آبان ماه، افزایش سقف بهره‌مندی از تسهیلات مالیاتی و اجرای مجموعه‌ای از اقدامات برای کاهش فشار مالیاتی بر کسب‌وکارهای آسیب‌دیده خبر داد. محمدبرزگری درخصوص اجرای تبصره ماده ۱۰۰ برای سال ۱۴۰۴ اظهار کرد: با توجه به شرایط خاص کشور و آسیب‌های واردشده به فعالیت‌های اقتصادی، سازمان امور مالیاتی مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی را برای تسهیل پرداخت مالیات و حمایت از صاحبان مشاغل در دستور کار قرار داده است. او بیان کرد: بر اساس مفاد تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم و میزان معافیت مندرج در قانون بودجه در سال ۱۴۰۵، مؤدیانی که مجموع فروش یا درآمد خالص آن‌ها تا سقف ۱۰ برابر معافیت موضوع ماده ۸۴ قانون مذکور معادل ۴۸ میلیارد ریال بود، مشمول بهره‌مندی از این ظرفیت قانونی می‌شدند، ولی این سقف در سال ۱۴۰۵ برای عملکرد سال ۱۴۰۴ به ۷۲۰ میلیارد ریال افزایش یافت. معاون سازمان مالیاتی گفت: در سال جاری برای عملکرد سال ۱۴۰۴، مالیات ۷۵ درصد از صاحبان مشاغل خرد صفر شده است. همچنین مالیات ۸۳ درصد از مؤدیان کمتر از ۱۰ میلیون تومان و مالیات ۹۳ درصد از آنان کمتر از ۵۰ میلیون تومان بوده است.برزگری ادامه داد: با توجه به شرایط خاص کشور در سال ۱۴۰۴، متناسب با نوع فعالیت و منطقه جغرافیایی مؤدیان مشمول تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم، تعدیل ناشی از آسیب‌های جنگ به صورت خودکار در محاسبه مالیات مقطوع برای آن‌ها لحاظ شده است.

وزارت جهاد کشاورزی؛ مانع ورود کالاهای آژانتی به کشور

خبرگزاری فارس نوشت: دو شرکت زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی، یعنی «شرکت بازرگانی دولتی ایران» و «شرکت پشتیبانی امور دام»، سیلوهای موجود در بنادر و واسکله‌های شمالی را از جو، گندم و سایر غلات پر کرده‌اند، اما آن‌ها را تخلیه نمی‌کنند تا بارهای جدید رسیده به بندر تخلیه شوند. این در حالی است که سیلوهای موجود در مبادی گمرکی جزو سیلوهای موقت به شمار می‌روند و نباید از آن‌ها به‌عنوان انبار استفاده کرد. یکی از مسئولان بندری عمده‌ای از واردات به بنادر شمالی منتقل شد. بنادری که حتی در شرایط عادی نیز ظرفیت کافی برای این حجم از بار را نداشتند، اکنون با تخلیه‌نشدن غلات مواجه شده‌اند؛ موضوعی که این گلوگاه را تشدید کرده و مانع ورود محموله‌های جدید شده است.

اقتصاد آژانتین در تله ریاضت و رکود

تجربه آژانتین نشان می‌دهد که نمی‌توان توسعه را صرفاً با تراز بودجه و کاهش تورم ستنجید؛ همان‌طور که نمی‌توان هزینه‌های اجتماعی اصلاحات را نادیده گرفت و از مردم خواست بهای آن را بدون چشم‌اندازی روشن برای آینده بپردازند. اگر نتیجه این مسیر، تضعیف معیشت، فرسایش صنعت، محدودشدن فرصت‌های آموزشی و افزایش وابستگی مالی به قدرت‌های خارجی باشد، ادعای موفقیت چنین الگویی با پرسش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. اره برقی میلی

قرار بود نماد بریدن از فساد و ناکارآمدی باشد، اما پرسش امروز این است که در مسیر کوچک‌سازی دولت، چه چیزهایی بریده شده‌اند و هزینه این جراحی اقتصادی را چه کسانی پرداخته‌اند؟

اره برقی میلی

برای تضعیف بنیان‌های اقتصادی

آنچه امروز در آژانتین، تحت ریاست جمهوری خاویر میلی، جریان دارد، فراتر از اجرای چند سیاست اقتصادی یا کاهش هزینه‌های دولت است؛ مسئله، هزینه‌ای است که این الگوی اقتصادی بر معیشت مردم، آینده تولید و ظرفیت‌های عمومی کشور تحمیل می‌کند. اگرچه کاهش تورم به مهم‌ترین دستاورد تبلیغاتی میلی تبدیل شده است، اما افزایش دوباره فقر، بحران اشتغال، فشار بر صنایع و اعتراضات دانشگاهی نشان می‌دهد که ثبات در برخی شاخص‌های کلان، لزوماً به معنای بهبود زندگی مردم نیست. از سوی دیگر، تداوم نیاز به منابع مالی خارجی و حمایت آمریکا، پرسش‌هایی جدی درباره استقلال اقتصادی آژانتین ایجاد می‌کند. دولتی که با وعده‌هایی از فساد و ناکارآمدی روی کار آمد، اکنون باید پاسخ دهد که کوچک‌کردن دولت و واگذاری میدان به سازوکار بازار، تا چه اندازه توانسته است بنیان‌های تولیدی و رفاهی کشور را تقویت کند.

بین الملل

پیروزی لولا، شکست پروژه ترامپ



پیروزی مجدد لولا داسیلوا در انتخابات ریاست جمهوری برزیل، ضربه‌ای سیاسی به جریان راست افراطی و طرح دونالد ترامپ برای گسترش نفوذ آمریکا در آمریکای لاتین وارد کرد. لولا با کسب حدود ۵۱.۸ درصد آرا، فلایو بولسونارو، نامزد راست‌گرا و فرزند رئیس‌جمهور پیشین برزیل را شکست داد؛ نتیجه‌ای که مسیر استقلال طلبانه برازیلیا را در برابر فشارهای واشنگتن حفظ می‌کند. این انتخابات در شرایطی برگزار شد که دولت ترامپ با اعمال تعرفه‌های سنگین علیه برزیل و فشارهای اقتصادی، اختلافات خود با دولت لولا را تشدید کرده بود. رئیس‌جمهور آمریکا در پی تقویت جایگاه خود در نیمکره غربی است؛ منطقه‌ای که واشنگتن سال‌ها آن را حوزه نفوذ سنتی خود می‌دانست. اما رأی مردم برزیل نشان داد که این نگاه، دیگر بدون مقاومت سیاسی و اجتماعی قابل پیشبرد نیست. اهمیت برزیل تنها به جمعیت و اقتصاد آن محدود نمی‌شود. این کشور با برخورداری از منابع معدنی راهبردی، از جمله عناصر کمیاب، و عضویت در گروه بریکس، جایگاهی مهم در رقابت قدرت‌های جهانی دارد. آمریکا برای کاهش وابستگی به چین به منابع و زیربصرهای تأمین جدید نیاز دارد؛ در مقابل، دولت لولا با حاکمیت ملی و حفظ اختیار بر منابع طبیعی تأکید می‌کند. از این منظر، پیروزی لولا را می‌توان ناکامی تلاش واشنگتن برای شکل‌دادن به یک بلوک منطقه‌ای همسو با ترامپ دانست؛ هرچند این نتیجه به معنای پایان نفوذ آمریکا یا حل اختلافات داخلی برزیل نیست. چالش اصلی دولت جدید، تبدیل این پیروزی انتخاباتی به تقویت عدالت اجتماعی، استقلال اقتصادی و همکاری‌های متوازن بین‌المللی خواهد بود.

تغییر چهره‌ها باعث تغییر سیاست جنگ طلبی صهیونیست‌ها نمی‌شود

انتخابات اسرائیل؛ رقابت بر سر شیوه جنگ افروزی

امروز انتخابات رژیم صهیونیستی برگزار میشود و رقابت میان بنیامین نتانیاهو و رقبای سیاسی‌اش بار دیگر به صحنه‌ای برای جدال بر سر قدرت تبدیل شده است. انتخاباتی که شاید ترکیب کابینه آینده را تغییر دهد، اما نشانه‌ای از تغییر بنیادین در ماهیت سیاست‌های ضدایرانی این رژیم ندارد. از راست افراطی تا جریان‌های موسوم به میانه‌رو و مخالف نتانیاهو، اختلاف‌ها بیش از آنکه بر سر اصل تقابل با ایران باشد، بر سر شیوه مدیریت جنگ، هزینه‌های آن و چگونگی تأمین امنیت رژیم است.

رقابت را نشان می‌دهد. بنا بر گزارش‌های رسانه‌ای مورد اشاره، نگرانی‌هایی در سطوح نظامی درباره محاسبه اشتباه و کشیده شدن رژیم به درگیری فوری با ایران مطرح شده است. همچنین ادعا شده که برخی تلاش‌ها برای جلب همراهی آمریکا با اقدام نظامی صورت گرفته است.

انتخابات امروز رژیم صهیونیستی ممکن است به تضعیف نتانیاهو، قدرت‌گیری مخالفان یا حتی بن‌بست در تشکیل کابینه منجر شود اما هیچ‌یک از این سناریوها به خودی خود تضمین‌کننده پایان سیاست‌های خصمانه علیه ایران نیست. آنچه باید ملاک ارزیابی قرار گیرد، ذات بقای رژیم است که به جنگ و خونریزی، تصمیم‌های نظامی، اقدامات اطلاعاتی، تهدیدهای رسمی و غیررسمی و تلاش برای جلب حمایت آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی است.

برای ایران، نه نتانیاهو چهره‌ای قابل اتکا در صلح است و نه رقبای انتخاباتی او صرفاً به دلیل مخالفت با نخست‌وزیر کنونی، حامل پیام صلح‌اند. ممکن است نام‌ها عوض شوند، ائتلاف‌ها جابه‌جا شوند و ادبیات تبلیغاتی تغییر کند اما تا زمانی که نشانه‌ای عملی از تغییر راهبرد خصمانه دیده نشده، نباید به تغییر دولت دل بست. حاصل آنکه برای جمهوری اسلامی ایران، مسئله اصلی این نیست که کدام نام این است که کدام سیاست در میدان اجرایی شود. در برابر رژیم‌های که بخش مهمی از ساختار سیاسی و امنیتی آن بر برتری طلبی، توسعه شهرک‌سازی و حفظ گزینه نظامی استوار است، ملاک قضاوت نه وعده‌های انتخاباتی، بلکه قدرت بازدارندگی، هوشیاری راهبردی و آمادگی برای پاسخ به هرگونه ماجراجویی خواهد بود.

بنابراین، تغییر نخست‌وزیر را نمی‌توان به معنای تغییر خودکار جهت‌گیری‌های امنیتی و نظامی این رژیم دانست.

یکی از مهم‌ترین شواهد برای شناخت ماهیت این سیاست‌ها، مقاله‌ای است که تامیر همین، رئیس پیشین اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی و مدیر اجرایی مؤسسه مطالعات امنیت ملی این رژیم منتشر کرده است.

او در این مقاله از شکل‌گیری یک مفهوم امنیتی جدید پس از هفتم اکتبر سخن می‌گوید. مفهومی که به گفته او، در عمل سیاست امنیتی رژیم را هدایت می‌کند، هرچند هنوز رسماً تدوین نشده است. براساس این تحلیل، جنگ دیگر صرفاً وضعیتی استثنایی و موقت تلقی نمی‌شود، بلکه به مؤلفه‌ای بنیادین در تعریف امنیت تبدیل شده است. حملات پیشگیرانه، تقدم ابتکار تهاجمی بردفاع، ایجاد مناطق حائل و گسترش شهرک‌سازی در مناطق اصطکاک با جمعیت عرب، از جمله اصولی هستند که همین در این رویکرد شناسایی می‌کند. او همچنین درباره پیامدهای کنار گذاشتن صلح به عنوان یک هدف راهبردی، فرسایش ارزش‌های دموکراتیک و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی جنگ دائمی پرسش‌هایی جدی مطرح می‌کند. این نکته مهم است که وقتی یکی از چهره‌های ارشد سابق دستگاه اطلاعاتی رژیم از تغییر نگاه امنیتی پس از هفتم اکتبر سخن می‌گوید، مسئله صرفاً اختلاف سلیقه نتانیاهو با رقبایش نیست. بحث بر سر رویکردی عمیق‌تر در ساختار امنیتی و سیاسی رژیم است.

گزارش‌های منتشرشده درباره تنش میان نتانیاهو و ابیال زامیر، رئیس ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی، نیز بُعد دیگری از این



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

تغییر مهره‌ها، تداوم خونریزی

انتخابات امروز رژیم صهیونیستی ممکن است به تضعیف نتانیاهو، قدرت‌گیری مخالفان یا حتی بن‌بست در تشکیل کابینه منجر شود اما هیچ‌یک از این سناریوها به خودی خود تضمین‌کننده پایان سیاست‌های خصمانه علیه ایران نیست. آنچه باید ملاک ارزیابی قرار گیرد، ذات بقای رژیم خونریزی، تصمیم‌های نظامی، اقدامات اطلاعاتی، تهدیدهای رسمی و غیررسمی و تلاش برای جلب حمایت آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی است.

یادداشت

درس عبرت تاریخی ترامپ بارودریگرها

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

تحولات ونزوئلا پس از عملیات نظامی آمریکا در سوم ژانویه ۲۰۲۶ و بازداشت نیکلاس مادورو، نشان داد که واشنگتن برای رسیدن به اهداف خود، الزاماً به یک نسخه ثابت سیاسی پایبند نیست. دلسی رودریگز، معاون پیشین مادورو، در رأس دولت موقت قرار گرفت و دولت ترامپ به جای سپردن فوری قدرت به ماچادو یا ادموندو گونزالس، مسیر همکاری با رودریگز را انتخاب کرد. توافق‌های نفتی و امتیازهای اقتصادی نیز به یکی از محورهای این همکاری تبدیل شدند.

این چرخش یک پیام روشن دارد که برای کاخ سفید، شعارهای دموکراسی و آزادی تا جایی اهمیت دارند که با منافع راهبردی آمریکا، به ویژه دسترسی به منابع انرژی و نفوذ سیاسی در آمریکای لاتین، تعارض پیدا نکنند. اگر رودریگز بتواند نفت ونزوئلا را در دسترس شرکت‌های آمریکایی قرار دهد و در مسیر خواسته‌های واشنگتن حرکت کند، همکاری با او برای دولت ترامپ می‌تواند بر به قدرت رساندن متحدان سنتی آمریکا اولویت پیدا کند. در سوی دیگر، ماریا کورینا ماچادو قرار دارد. چهره‌ای که سال‌ها با دولت مادورو مخالفت کرد و به یکی از نمادهای اپوزیسیون تبدیل شد. او که پس از دریافت جایزه صلح نوبل مدتی خارج از کشور بود، به ونزوئلا بازگشت و خواستار برگزاری انتخابات آزاد شد. با این حال، بازگشت او در شرایطی صورت گرفت که ترامپ همچنان از رودریگز حمایت می‌کند و واشنگتن در مذاکرات مربوط به آینده سیاسی ونزوئلا، اولویت را به همکاری با دولت موقت داده است.

مسئله اینجاست که نه رودریگز صرفاً مهره‌ای بی اختیار است و نه ماچادو می‌تواند تنها با اتکا به حمایت خارجی، معادلات قدرت در ونزوئلا را دگرگون کند. رودریگز برای حفظ موقعیت خود ناچار است میان فشارهای آمریکا، مطالبات اقتصادی جامعه و ملا حظات جریان‌های سیاسی و امنیتی داخلی توازن برقرار کند. ماچادو نیز برای تبدیل حمایت هوادارانش به قدرت سیاسی، با واقعیت‌های پیچیده ساختار قدرت در کشور روبه‌روست.

از همین رو، تصور اینکه واشنگتن با انتخاب یکی از این دو مدل می‌تواند آینده ونزوئلا را مطابق میل خود تنظیم کند، تصویری ساده‌انگارانه است. حتی تحلیل‌های مراکز مطالعاتی غربی نیز بر این نکته تأکید دارند که رودریگز ممکن است برای کاهش فشار آمریکا همکاری کند، اما هم‌زمان در پی حفظ انسجام جریان حاکم و اعتبار سیاسی خود در داخل کشور باشد. آمریکا با تکیه بر قدرت نظامی، فشار اقتصادی و توافق‌های نفتی می‌تواند هزینه‌های سنگینی بر ونزوئلا تحمیل کند اما تحمیل هزینه با تسلط پایدار بر سرنوشت یک ملت تفاوت دارد. تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که کنار زدن یک رهبر، الزاماً به معنای از میان رفتن پایگاه‌های اجتماعی، نهادهای سیاسی و گرایش‌های ملی‌گرایانه‌ای نیست که طی دهه‌ها شکل گرفته‌اند.

بنابراین، مسئله ونزوئلا را نباید به انتخاب میان رودریگز و ماچادو تقلیل داد. ونزوئلا زمانی به آینده‌ای مستقل دست می‌یابد که سرنوشتش نه با فرمان واشنگتن، بلکه با اراده ملی و منافع مردم خودش تعیین شود.

یادداشت

احتیاط ایران یعنی
جری شدن اسرائیلپدرام حسینی
روزنامه‌نگار

سخنان روز پنج‌شنبه دیوید بارنیا، رئیس سابق موساد، در خصوص عملیات‌های وعده صادق ۱۲۰۱ اعتراضی مهم درباره چگونگی تغییر محاسبات تل‌آویو در قبال ایران است. بارنیا صریحاً می‌گوید تا پیش از حملات مستقیم ایران در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴، توان نظامی ایران اسرائیل را از اقدام مستقیم بازداشته بود: «قبل از آن حملات، اسرائیل توسط ایران بازداشته شده بود.» این جمله را باید بیش از هر چیز در کنار هفت سال سیاست «صبراستراتژیک» ساخته دست غرب‌گرایان، احتیاط در پاسخ و نگرانی دائمی از «پلکان تنش» گذاشت. اسرائیلی که هنگام ترور شهید سلیمانی به دلیل ترس مفرط از واکنش ایران حاضر نشد با آمریکا همراه شود و ترامپ در سال‌های بعد بارها نتانیا‌ه‌ورا به ترس متهم کرد، چگونه پله پله به نقطه‌ای رسید که جسارت ضربه مستقیم به ایران را پیدا کرد؟ پاسخ را بخشی از اظهارات بارنیا روشن می‌کند: بازدارندگی فقط محصول داشتن موشک نیست؛ محصول «تصویر دشمن از اراده و کیفیت استفاده از موشک» نیز هست.

بارنیا معتقد است این عملیات‌ها بخشی از ابهام اسرائیل درباره توان موشک‌های دقیق دوربرد ایران را از میان برد. تل‌آویو پیش‌تر نمی‌دانست پدافند اسرائیلی-آمریکایی در برابر یک حمله گسترده چه میزان تاب می‌آورد؛ اما علی‌رغم اثبات قدرت ویرانگر موشک‌های ایرانی در دو جنگ اخیر، نتیجه میدانی دو عملیات وعده صادق ۱ و ۲ به دلیل سیاست احتیاط، به‌ویژه از حیث دقت و شدت تخریب، بخشی از این ترس را برای دشمن کاهش داد.

روایت شهید شمخانی نیز از همین زاویه قابل تأمل است وی سال گذشته در این زمینه اظهار داشت: «در نهایت دو عملیات وعده صادق به توان مندی و نتیجه مورد نظر فرماندهان نرسید و همین مسئله باعث شد تا دشمن در برآورد خود از توان مندی موشکی ایران، پیام ضعف را دریافت کند.»

بازدارندگی ایران زمانی ترک برداشت که تل‌آویو به جای ترس از ناشناخته‌های قدرت ایران، شروع به محاسبه سقف پاسخ‌ها کرد. سیاستی که قرار بود با «صبراستراتژیک»، «کنترل تنش» و پرهیز از رفتن روی «پلکان تشدید» مانع جنگ شود، در عمل دشمن را؛ از عملیات پنهان و ترور تا ضربه مستقیم و ترور رهبری پله‌پله بالاتر آورد. ابهام بازدارنده را با پاسخ‌های محدود نباید به اطمینان دشمن تبدیل کرد.

اسرائیلی که روزی از واکنش ایران چنان هراس داشت که حتی در ترور شهید سلیمانی کنار آمریکا نایستاد، وقتی محدودیت پاسخ‌ها را آموذ، جسورتر شد. بازدارندگی زمانی بازمی‌گردد که تل‌آویو دوباره نداند حمله بعدی به ایران چه هزینه غیرقابل‌تحملی برایش خواهد داشت. دشمنی که سقف واکنش ایران را محاسبه کند، حمله را هم محاسبه خواهد کرد؛ باید این محاسبه را برهم زد.

سفر هیات‌های نظامی و امنیتی و سیاسی از چهار کشور عربستان، ترکیه، پاکستان و قطر به تهران ترمز افزایش قیمت نفت را کشید

برای یاری ترامپ، نگران از پاسخ ایران

تلقی شود. تجربه سازوکار آستانه و آتش‌بس یمن نیز این هشدار را برجسته می‌کند که وعده‌های سیاسی همسایگان نباید به خنثی شدن ابزارهای فشار ایران در میانه یک رویارویی تعیین‌کننده منجر شود.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

بی‌محابا به اعضای پیمان مکه می‌تواند هزینه‌ای مضاعف ایجاد کند. سلاح این کشورها تاکنون علیه مسلمانان یمنی شلیک شده و ضرری متناسب متوجه اسرائیل نکرده است؛ همان‌گونه که تجربه حضور ترکیه در سوریه نیز نه بر ضد اسرائیل که به قصد خروج ایران بود. تکرار این خطا ممکن است ایران را از جبهه یمن نیز محروم و در یک جنگ وجودی با آمریکا، اسرائیل و متحدان تأمین‌کننده عربی آنان، بخشی از ابزارهای فشار ایران بر حامیان جنایات آمریکا و اسرائیل را به دست خودمان خنثی کند.

حاملان پیام واشنگتن؟

روی دیگر سفرهای روز گذشته، با توجه به حضور مقامات نظامی-امنیتی و نه دیپلمات‌ها، احتمال انتقال تهدیدهای آمریکا از طریق این کشورهاست. جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی باید با صراحت و استحکام، تبعات هر اقدامی علیه ایران را برای این سه کشور مشخص سازد؛ به‌گونه‌ای که هیچ طرفی تصور نکند می‌تواند همزمان نقش واسطه سیاسی را ایفا کند و از هزینه‌های میزبانی یا پشتیبانی از اقدامات خصمانه مصون بماند.

بعد دیگر ماجرا، ادامه تلاش‌های هفت‌ماهه آمریکا برای کنترل قیمت نفت در روزهای واپسین منتهی به انتخابات میان‌دوره‌ای مجلسین آمریکاست. هرگونه عقب‌نشینی ایران در این حوزه نه تنها دستاوردی برای تهران نخواهد داشت، بلکه می‌تواند ترامپ را برای حمله به ایران ثابت‌قدم‌تر کند.

مجموع این نشانه‌ها تصویری خوش‌بینانه‌ای ارائه نمی‌کند. نه تجربه تاریخی معاصر که در آن ائتلاف کشورهای اسلامی منطقه عملاً به اقدامی تعیین‌کننده علیه اسرائیل منجر نشده، نه تجربه سازوکار آستانه، نه آتش‌بس یمن و عربستان که به محاصره طولانی هوایی و دریایی صنعا انجامید و نه آرایش کنونی نیروها و صف‌بندی‌ها در آستانه جنگ سوم آمریکا و اسرائیل علیه ایران، دلیلی برای خوش‌بینی بی‌قیدوشرط به سفر اعضای پیمان مکه و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باقی نمی‌گذارد.

آستانه؛ هشدار که نباید فراموش شود

خطر زمانی جدی‌تر دیده می‌شود که تجربه سازوکار روند آستانه مرور شود؛ سازوکاری که در سایه دیپلماسی ظریف و برجانی‌ها در سوریه شکل گرفت. زمانی که ادلب و تحریرالشام در آستانه سقوط بودند، در ازای وعده ترکیه برای خلع سلاح جولانی و تحریرالشام، حملات روسیه و ارتش بشار اسد به ادلب تا حدودی متوقف شد.

سال‌ها بعد و نهایتاً در سال ۲۰۲۴، نتیجه این روند به سقوط سوریه به نفع ترکیه و اسرائیل و به زیان ایران انجامید. تجربه دیگر، دخالت دولت روحانی در آتش‌بس میان انصاراللهیمن و عربستان سعودی بود؛ آتش‌بسی که به قریب به ۱۰ سال محاصره هوایی و دریایی انصاراللهیمن منجر شد و در عمل دستاورد مشخصی نه برای ایران و نه برای انصارالله داشت. در همان زمان نیز دخالت‌های ظریف در ماجرای بازگشت کشتی ایرانی از یمن منجر به ارسال پالس ضعیفی مهم از سوی ایران به عربستان شد.

مصونیت در ازای وعده؟

نگاهی به ابعاد این سفرها زوایای خطرناک آن را آشکار می‌کند. در شرایطی که شروع دور تازه جنگ قطعی به نظر می‌رسد و آمریکا و اسرائیل به شکل مداوم و بدون هراس از اطلاق عنوان جنایت جنگی، ایران را به هدف قرار دادن زیرساخت‌ها تهدید می‌کنند، کشورهای پیمان مکه و به‌خصوص عربستان و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که طی هفته‌های اخیر رفت‌وآمدهایی به تهران داشته‌اند، می‌توانند در پی آن باشند که در ازای وعده‌های دیپلماتیک و سیاسی، درست مانند تجربه سازوکار آستانه، خود را از واکنش متقابل ایران در خصوص منافع نفتی و گازی آمریکا و اسرائیل در این کشورها مصون ساخته و از فهرست بانک اهداف ایران مستثنی کنند.

سوی دیگر ماجرا یمن است. در شرایطی که انصاراللهیمن به تنهایی بحرانی بزرگ حتی در حد بسته شدن تنگه هرمز برای حامیان عربی اسرائیل در منطقه ایجاد کرده و منافع نفتی و گازی عربستان را در پاسخ به حمله مجدد عربستان به یمن شدیداً هدف قرار می‌دهد، اعتماد

روز گذشته ترافیک سفرهای اعضای پیمان مکه و برخی دیگر از کشورهای منطقه به تهران به سرعت بازتاب یافت. علاوه بر خالد بن سلمان وزیر دفاع سعودی، عاصم منیر، رئیس ستاد کل ارتش پاکستان و ابراهیم کالین، رئیس دستگاه اطلاعاتی ترکیه «میت» نیز با سفر به تهران در نشست چهارجانبه تهران حضور داشتند و هیأتی قطری نیز به تهران عزیمت کرد.

در آستانه ۱۲۰ دلاری شدن قیمت جهانی نفت و در شرایطی که کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به خوبی از این واقعیت آگاهند که هر حمله جدید به زیرساخت‌های ایران به یقین با هدف قرار گرفتن تمام زیرساخت‌های نفتی و گازی منطقه پاسخ داده می‌شود، نفس چنین سفرهایی از منظرهای مختلف نه تنها الزاماً امیدوارکننده نیست، بلکه با توجه به حاکمیت نگاه وفاقی برجانی در سیاست خارجی، می‌تواند نگران‌کننده باشد.

نکته قابل تأمل اینکه تنها ساعاتی پس از انتشار خبر سفر «مقامات امنیتی و نظامی و نه دیپلمات‌ها» سه عضو پیمان مکه محمد جواد ظریف به سرعت دست به توثیق شد و نوشت: «پیشنهاد می‌کنم از دیدار امروز برای پایه‌گذاری «شبکه امنیتی آسیای غربی (وصل)» بهره بگیریم. «وصل» یک شبکه منطقه‌ای فراگیر بر پایه عدم تجاوز، اعتمادسازی متقابل و رفاه مشترک است. امنیت منطقه وارداتی نیست؛ باید به دست مردمان همین منطقه و با هم ساخته شود.»

همین اظهارات، تداوم نگاه خوش‌بینانه و البته ساده‌لوحانه به پیمان مکه و تلقی ضداسرائیلی بودن یا تعهد آن به امت اسلامی را برجسته می‌کند.

این در حالی است که تنها روز گذشته و همزمان با ورود هیأت‌های ترکیه، عربستان و پاکستان به تهران، جنگنده‌های ارتش عربستان سعودی از صبح دوشنبه ۴۴ بار اقصی نقاط یمن را به شدت بمباران کرده‌اند و پاکستان نیز نقشی مستقیم در عملیات‌ها علیه انصاراللهیمن داشته است.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ
C U L T U R A L

سه شنبه ۵ آبان ۱۴۰۵ سال اول شماره ۱۷۰

یادداشت

شروین حاجی پور و امیرحسین قیاسی؛ ابتدال در لباس سرگرمی

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

شروین حاجی پور دوباره به صدر شبکه‌های اجتماعی برگشته است؛ نه با ترانه‌ای تازه و نه با ادعای نمایندگی یک نسل، بلکه با نمایشی که شاید ناخواسته، بیش از هراثر هنری‌اش درباره‌ او حرف می‌زند. این بار در برنامه «دور امیر» با اجرای امیرحسین قیاسی، دو چهره از یک جریان فرهنگی به هم رسیده‌اند؛ جریانی که ظاهراً برای دیده‌شدن، دیگر نه به حرفی برای گفتن نیاز دارد و نه به حداقلی از شأن و معنا. پیش از این هم منتقدان شروین حاجی پور او را به سطحی‌نگری و فرصت‌طلبی می‌شناختند و این ادعای اجتماعی چه باقی برای تغییر آن موضع نیست؛ برعکس، فرصتی است برای دیدن دوباره فاصله میان تصویری که او از خود ساخته و چیزی که در عمل عرضه می‌کند. کسی که با ادعای صدای یک نسل به شهرت رسید و تبدیل به آیکون جنبش ز.ز.آ شد باید دست‌کم با این پرسش روبه‌رو شود که از آن همه ادعای اجتماعی چه باقی مانده است؟ قرار بود صدای یک دوران باشد؛ حالا در گفت‌وگویی که محورش روابط خصوصی، اندازه اندام و شوخی‌های سخیف است، چه چیزی از آن ادا عا دیده می‌شود؟

البته مسئولیت این نمایش فقط بر دوش مهمان نیست. امیرحسین قیاسی نیز به‌عنوان مجری، در شکل دادن به فضای برنامه سهم دارد. نمی‌توان هر نوع شوخی و هرسطحی از ابتدال را به اسم سرگرمی مجاز دانست و بعد پشت موفقیت در جذب مخاطب پنهان شد. اگر معیار برنامه‌سازی فقط وایرال شدن باشد، دیگر چه تفاوتی میان سرگرمی و حراج کردن شأن آدم‌ها باقی می‌ماند؟ مجری‌ای که برای خنداندن مخاطب، حریم خصوصی را به سوژه اصلی تبدیل می‌کند، نمی‌تواند خود را صرفاً ناظری بی‌طرف بر رفتار مهمان بداند.

ما جرا البته از نظر اقتصادی برای سازندگان برنامه احتمالاً چندان هم بد نیست. کلیپ‌ها دست‌به‌دست می‌شوند، نام برنامه بیشتر شنیده می‌شود و توجهی که باید محصول کیفیت باشد، از دل حاشیه بیرونی می‌آید. در اقتصاد توجه، حتی تحقیر و انزجار مخاطب هم می‌تواند به سرمایه تبدیل شود. اما آیا هر چیزی که دیده می‌شود، ارزش دیدن دارد؟ مسئله این است که بخشی از سلبریتی‌های ما سال‌ها کوشیده‌اند برای خود اعتباری فراتر از هنر و سرگرمی بسازند؛ از موضع‌گیری اجتماعی تا ادعای سخنگویی مردم. اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، گاهی چیزی جز خودنمایی و ابتدال دیده نمی‌شود. این تناقض را نمی‌توان با برچسب شوخی و سرگرمی پاک کرد. حاجی پور و قیاسی، هرکدام به سهم خود، در این نمایش مسئول‌اند؛ یکی به‌عنوان مهمانی که در آن مشارکت می‌کند و دیگری به‌عنوان مجری‌ای که به آن شکل می‌دهد. شاید مهم‌ترین نتیجه این گفت‌وگو برای مخاطب این باشد که شهرت را با اعتبار اشتباه نگیرد و از چهره‌هایی که خود را فراتر از یک هنرمند یا سرگرم‌کننده معرفی می‌کنند، بیش از شعار و ژست مطالبه کند. صدای بلند، لزوماً نشانه حرف حساب نیست؛ گاهی فقط بلندگوست که روشن مانده است.

فیلم کوتاه هم لانه اپوزیسیون شد؟

برگزاری چهل‌وسومین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران با انتقادات جدی همراه بوده است. این رویداد فرهنگی که باید آینه‌دار تحولات جامعه باشد، در برابر رخداد‌های مهم و اساسی مانند جنگ دوازده‌روزه و جنگ رمضان انفعال نشان داد و به‌سادگی از کنار کودتای دی‌ماه ۱۴۰۴ گذشت. جایزه



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

فیلم بلند داستانی «علت مرگ نامعلوم»-که برزگر تهیه‌کننده آن بود- نماینده ایران در اسکار شد و این بار نیز اثر کوتاهش راهی آکادمی شده است. از سوی دیگر، برادر این تهیه‌کننده و کارگردان، یعنی جمشید برزگر هم تحلیلگر رسانه‌های خارجی و حامی حملات نظامی علیه ایران است. همچنین یوسف کارگر، کارگردان فیلم، پیش‌تر متهم به کپی‌برداری آثار خارجی بود و انجمن سینمای جوان هم این مسئله را تأیید کرده بود. اعطای جایزه به این فرد نشان می‌دهد برگزارکنندگان به اعتبار جشنواره اهمیت نمی‌دهند و حاضرند حتی برای انجام این مورد، صابون حذف از ساختار آکادمی اسکار را به تن‌شان بمانند. این رویکرد نگران‌کننده پرسش‌های زیادی را درباره معیارهای داوری و جهت‌گیری‌های پنهان جشنواره ایجاد کرده است.

انتخاب فیلم «مزامیراندوه» به‌عنوان برنده جایزه بزرگ چهل‌وسومین جشنواره فیلم کوتاه تهران، زنگ خطری جدی برای آینده این رویداد فرهنگی است. جشنواره‌ای که قرار بود صدای هنرمندان مستقل و بازتاب‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی باشد، این بار در برابر بحران‌های ملی و منطقه‌ای خاموش ماند. عدم پرداختن به موضوعاتی مانند جنگ‌های اخیر یا تحولات سیاسی داخلی، شکاف عمیقی میان جشنواره و مخاطبان آگاه ایجاد کرده است.

مردم انتظار داشتند سینمای کوتاه، سریع‌ترین واکنش را به رخداد‌های سرنوشت‌ساز نشان دهد، اما سکوت سنگین برگزارکنندگان، نوعی بی‌تفاوتی عمدی را تداعی می‌کند. تمرکز اصلی مخالفت‌ها بر ترکیب عوامل سازنده فیلم برنده استوار است. مجید برزگر، چهره‌ای شناخته‌شده در سینمای ایران، سال‌هاست که نقشی دوگانه ایفا می‌کند. از یک سو، او همواره به‌عنوان منتقد تند و تیز جمهوری اسلامی و سیاست‌های فرهنگی آن معرفی شده و بارها مخالفت صریح خود را با ساختار حاکم ابراز کرده و از سوی دیگر، در بزنگاه‌های حساس، همیشه نزدیک‌ترین فرد به نهادهای رسمی بوده و از امتیازات دولتی

یادداشت

«بازگشت»؛ ریسک یک سوژه مهم

علی نقدی
روزنامه‌نگار

قرار است فیلمی بلند با نام «بازگشت» ساخته شود؛ فیلمی درباره ماجرای فوتبال بانوان ایران در استرالیا که در میانه جنگ چهل‌روزه رخ داده و هنوز به‌صورت رسانه‌ای بازتاب پیدا نکرده است. تهیه‌کنندگی این اثر را کاظم دانشی برعهده دارد. در نگاه اول، انتخاب چنین سوژه‌ای می‌تواند اتفاقی مهم و حتی فرصتی کم‌نظیر برای ثبت بخشی از واقعیت‌های یک دوره تاریخی باشد؛ اما درست همین اهمیت، پرسش‌هایی جدی درباره انتخاب کارگردان و شیوه پرداخت به ماجرا ایجاد می‌کند.

هر سوژه‌ای را نمی‌توان به هر کسی سپرد؛ به‌ویژه وقتی پای روایتی در میان است که ابعاد سیاسی، اجتماعی و ملی دارد و ممکن است سال‌ها بعد، به یکی از منابع شکل‌گیری حافظه تاریخی جامعه تبدیل شود. چنین موضوعی به کارگردانی نیاز دارد که علاوه بر تسلط بر زبان سینما، تجربه کافی در مدیریت روایت، شناخت موقعیت‌های پیچیده و پرهیز از شعارزدگی داشته باشد. اینجا دیگر صرفاً با ساخت یک فیلم سینمایی طرف نیستیم؛ مسئله، چگونگی ثبت و بازنمایی یک واقعه مهم است.

مشکل اصلی «بازگشت» همین جاست. کارگردانی که هنوز کارنامه‌ای در سینمای بلند ندارد تا بتوان براساس آن، توانایی‌اش را در مواجهه با چنین سوژه سنگینی ارزیابی کرد. البته نخستین فیلم بلند بودن، به‌خودی‌خود ایراد نیست و هیچ کارگردانی هم بدون نخستین تجربه‌اش به بلوغ نمی‌رسد؛ اما آیا باید مهم‌ترین سوژه‌ها را به میدان آزمون و خطای فیلمسازان تبدیل کرد؟ خطر آنجاست که یک موضوع پراهمیت، به‌جای آنکه در سینما به روایتی ماندگار و اثرگذار تبدیل شود، زیر بار ضعف‌های فیلمنامه، شخصیت‌پردازی، کارگردانی و حتی برداشت‌های نادرست از واقعه، ظرفیت خود را از دست بدهد. آن وقت نه‌تنها فیلمی در تراز اهمیت ماجرا ساخته نشده، بلکه سوژه‌ای که می‌توانست به یک اثر شاخص تبدیل شود، عملاً سوخته است.

از کاظم دانشی، به‌عنوان تهیه‌کننده، انتظار می‌رود بیش از هر چیز به همین مسئله فکر کند. تهیه‌کننده صرفاً مسئول فراهم کردن امکانات تولید نیست؛ او باید بداند چه سوژه‌ای را به چه فیلمسازی می‌سپارد و چه نسبتی میان اهمیت موضوع و توانایی سازنده وجود دارد.

«بازگشت» هنوز ساخته نشده و نمی‌توان درباره کیفیت نهایی آن حکم قطعی داد؛ اما نگرانی درباره انتخاب نخستین تجربه یک کارگردان برای چنین موضوعی، کاملاً جدی است. بعضی سوژه‌ها فرصت دوباره‌ای برای روایت‌شدن پیدا نمی‌کنند. کاش پیش از آنکه دوربین روشن شود، اهمیت این مسئولیت را جدی بگیریم.

بررسی ۱۷ دوره اخیر جشنواره فیلم فجر که اطلاعات آن‌ها در دسترس است، نشان می‌دهد به‌استثنای سال ۱۴۰۳، دبیر جشنواره تا مقطع زمانی فعلی معرفی شده بود. این در حالی است که جشنواره پیش رو، به‌دلیل حاشیه‌ها و التهاب‌های به‌جامانده از دوره گذشته و شرایط اجتماعی کشور، با وضعیتی متفاوت روبه‌روست و برگزاری یک دوره معمولی و کم‌حاشیه، چندان قابل پیش‌بینی نیست. در چنین شرایطی، انتظار می‌رفت راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، با معرفی به‌موقع دبیر جشنواره، زمینه تدوین برنامه‌ای روشن و اصولی را فراهم کند؛ برنامه‌ای که بتواند بخشی از خاطرات تلخ ادوار اخیر را کمرنگ کرده و مسیر برگزاری این رویداد را مشخص سازد. تداوم بلاتکلیفی در معرفی دبیر، این پرسش را مطرح می‌کند که سازمان سینمایی چه برنامه‌ای برای مدیریت یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور دارد و آیا فرصت باقی‌مانده برای تصمیم‌گیری و آماده‌سازی جشنواره کافی خواهد بود؟



در فاصله سه ماهه تا آغاز چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر، هنوز دبیر این رویداد سینمایی معرفی نشده است؛ تأخیری قابل‌تأمل برای بزرگ‌ترین جشنواره سینمایی کشور که در شرایطی رقم می‌خورد که سایر جشنواره‌های سینمایی، ماه‌ها پیش از برگزاری، مدیران خود را شناخته و فرصت کافی برای برنامه‌ریزی داشته‌اند.

جشنواره فیلم فجر هنوز دبیر ندارد